

تک‌برگی راه کارگر

روزنامه سیاسی هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: ارزنگ بامشاد دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۸۰ - ۱۳ آگوست ۲۰۰۱ شماره ۱۲۲

کنگره ششم سازمان کارگران سند سیاسی:

انقلابی ایران (راه کارگر) جنبش آزادی خواهی مردم ایران و امکانات و ناتوانی های چپ برگزار شد!

معطوف به سوسیالیسم

می سازد، زیرا دستگاه ولایت هر یک از این نوع پیروزی ها را بیان ضمنی نفرت مردم از مظاهر اصلی جمهوری اسلامی تلقی می کند و مقابله با آن را ضروری می یابد. ۵- دستگاه ولایت هر نوع اصلاح طلبی غیرمتعهد به ولایت فقیه و معطوف به بسیج مردم را شکلی از براندازی تلقی می کند و بنابراین، غیرقابل تحمل می داند. ۵- اصلاح طلبان مقید به قانون اساسی، زیـــــ فشار دستگاه ولایت از بقیه در صفحه ۲

قطع نامه کنگره ششم در رابطه با اتحاد چپ کارگری

در صفحه ۳

پیام ها

در صفحه ۴

(۱) نگاهی به حوادث یک سال گذشته جای تردید نمی گذارد که تأکیدات کنگره پنجم سازمان ما درباره مسدود شدن راه های قانونی پیش روی جنبش مردم ایران در مقابله با استبداد مذهبی، کاملاً درست بوده است. تجربه یک سال گذشته نشان داد که: الف- در جمهوری اسلامی، نهادهای انتخابی حکومتی در مقابل دستگاه ولایت - که هدایت کننده اصلی قدرت سیاسی است - وزنی ندارند و بدون موافقت آن از ایجاد کوچک ترین دگرگونی در امور حکومتی ناتوانند. ب- دستگاه ولایت از هر نوع اقدام جمعی وحشت دارد، زیرا - به درستی - مردم را در مقابله با موجودیت نظام می بیند و بنابراین، تضعیف امکانات بسیج مردم را به اولویت اصلی خود تبدیل کرده است. ج- پیروزی های "انتخاباتی" اصلاح طلبان حکومتی، هر قدر قاطع تر باشد، در عمل آن ها را ناتوان تر

کنگره ششم سازمان با حضور اعضاء سازمان در کنار جوانان نسل دوم و تعدادی از رفقای مهمان در اواخر تیرماه ۸۰ برگزار گردید.

کنگره در طول کار خود بر پایه اسناد ارائه شده توسط کمیته مرکزی سازمان، به بحث و بررسی پرداخت و در کنار بررسی، تکمیل و تصویب سند سیاسی پیرامون اوضاع سیاسی، قطع نامه هایی نیز پیرامون اتحاد چپ کارگری، مسائل زنان، مسئله ملی و مسائل تشکیلاتی و الویت های سازمان به تصویب رساند. کنگره هم چنین دو پیام یکی به کارگران کارخانه شادان پور و دیگری در رابطه با جنایات علیه زنان صادر کرد.

در پایان، کنگره اعضای کمیته مرکزی و کمیسیون نظارت و رسیدگی به شکایات را انتخاب کرد. پایان بخش برنامه های کنگره، اجرای قطعه ای نمایشی توسط کودکان و سپس خواندن سرود انترناسیونال بود. مجموعه اسناد کنگره در این شماره و گزارش آن در شماره آینده تک برگی راه کارگر منتشر می شود.

قطع نامه کنگره ششم سازمان در باره مسئله ملی

کنگره ششم راه کارگر در پی گیری و ادامه سیاست خود در رابطه با مسئله ملی در ایران قطع نامه زیر را به تصویب می رساند:
الف- راه کارگر هرکس و یا هر جریانی که روی برتری نژادی یا تباری تأکید کند را نژادپرست می شناسد؛
ب- آن هایی که "وحدت ملی ایرانیان" را در "اسلام" و یا در "زبان فارسی" جستجو می کنند، در واقع به وحدت و هم بستگی ملل و اقوام ایرانی لطمه می زنند؛
ج- زبان فارسی فقط زبان ارتباطی (زبان میانجی) ملیت ها و اقوام ساکن ایران است و نه بیشتر. زبان فارسی زبان ملی همه اقوام و ملل ایرانی نیست؛
د- جمعیت کشور ما غیراز فارس ها حداقل به پنج گروه ملی تقسیم میشود: ترک ها، کردها، عرب ها، ترکمن ها، بلوچ ها. زبان رسمی گروه های ملی-زبانی در واحدهای ملی، زبان فارسی نمی تواند باشد؛
ه- جدا از ملل و اقوام نام برده، در ایران معتقدان به مذاهب و مسالک مختلفی وجود دارند که آن ها نیز باید حقوق کاملاً برابر با دیگر شهروندان ایرانی داشته باشند؛
و- قانون اساسی جمهوری اسلامی هم بستگی مردم ایران را بیش از پیش از بین برده است. قانون اساسی باید متحدکننده تمام آحاد ملت، اقوام و ملل ساکن در درون مرزهای ایران باشد؛
ز- وحدت مردم ایران تنها در یک جمهوری فدراتیو و با اتکاء به قانون اساسی مدرن که برابری کامل حقوق تمام شهروندان را تضمین کند و حق همه ملیت ها و قومیت ها را در تعیین سرنوشت خود، از جمله حق جدایی کامل و تشکیل دولت مستقل و یا خودمختاری هر یک از ملیت ها که با تمایل آزادانه خود در یک جمهوری فدراتیو متحد می شوند را به رسمیت بشناسد، ممکن است.

قطع نامه کنگره ششم سازمان در مورد مسائل زنان

نظر به این که سازمان ما در مبارزه برای سوسیالیسم، به چالش طلییدن هنجارها و قوانین نگاه دارنده جامعه طبقاتی مبتنی بر جنسیت، و حمایت از مبارزات و سازمان یابی علیه استثمار جنسی را از وظایف خود می داند، لازم است:
۱- تبلیغ و تمرکز بر قطع نامه ی کنگره چهارم در رابطه با لغو نظام جداسازی جنسی را فعالانه تر در دستور کار قرار دهد؛
۲- درک خود از گفتمان فمینیستی را روشن و بی پرده بیان کند و برای توضیح نظر و تاکتیک های پیشنهادی اش، بدون رعایت هنجارهای مذهبی و سنتی زن ستیزانه و پدرسالارانه، همه ی اهرم ها و نیروهای تشکیلات را تجدید سازماندهی کرده و به کار گیرد؛
۳- مسئله «حق زن بر بدن و سرنوشت خود» را به عنوان یکی از موضوعات محوری در ادبیات کتبی و شفاهی به بحث بگذارد، تبلیغ کند و از نیروها و جنبش هائی که برای تحقق این مسئله مبارزه می کنند، حمایت کند، از حق آزادی رابطه جنسی دفاع کند و در هم یاری و هم فکری با آن بخش از جنبش فمینیستی ایران که گرایشات سوسیالیستی دارد از همه نیرو و توان خود سود جوید؛
۴- بررسی و شناخت ویژه گی ها و خواست های اکثریت زنان جامعه ما، یعنی زنان جوان را با توجه به جسارت و قابلیت که در زیرپاگذاردن مناسبات زن ستیزانه و جدائی جنسی از خود نشان می دهند و دست یابی به ازبایی های جدید و متناسب با این نیروی نوین جنبش برابری طلبی را به عنوان یکی از رؤس کارهای نظری و سیاسی قرار دهد؛
۵- پیش برد مباحث و سازماندهی حول موارد بالا را تنها در حوزه ی وظایف رفقای زن تشکیلات نداند و بر بقایای تقسیم کار جنسی در تشکیلات در رابطه با نگاشتن و پیش برد مباحث مربوط به مسائل زنان، نقطه ی پایان بگذارد و در جاری ساختن آن در مناسبات تشکیلاتی دقت لازم به عمل آورد.

یک سو، و برانگیختگی مردم از سوی دیگر، هرچه بیشتر ناگزیر می شوند طرح های شان را با حد تحمل دستگاه ولایت منطبق سازند. به عبارت دیگر، پویایی درگیری های فزاینده مردم با نظام، دیگر نمی گذارد آن ها هم چون سپر پیش روی مردم در مقابل دستگاه ولایت عمل کنند. حتی فراتر از این، آن ها به عامل گند کننده در مبارزات آزادی خواهانه مردم می شوند. و حضور آن ها در حکومت، میدان مانور دستگاه ولایت را، مخصوصاً در سطح بین المللی، فراخ تر می سازد و غالب قدرت های غربی فرصت می یابند که به بهانه های حمایت از آن ها، افکار عمومی مترقی جهانی را نادیده بگیرند و در پی منافع سوداگرانه شان هرچه بیشتر با استبداد مذهبی حاکم کنار بیایند. و همین پویایی درگیری های فزاینده مردم با نظام، دستگاه ولایت را به سازمان دادن بزرگ ترین گسست ایدئولوژیک در تاریخ موجودیت جمهوری اسلامی ناگزیر ساخته است. رژیم که خود را برآمده از انقلاب مردم و بیان اراده آن ها معرفی می کرد، اکنون زیر آتش اعتراضات توده ای ناگزیر شده هر روزه از تریبون های رسمی اش اعلام کند که رأی مردم در مقابل رأی ولی فقیه ارزشی ندارد و مشروعیت ولی فقیه و ولایت فقیه از رأی مردم ناشی نمی شود. اما پُررنگ شدن غیرقابل انکار تز «حکومت اسلامی» در مقابل «جمهوری اسلامی»، نه تنها برانگیختگی عمومی مردم در مقابل رژیم را شدت می بخشد و آن را، مخصوصاً به لحاظ ایدئولوژیک، نابه هنگام تر و دفاع ناپذیرتر می سازد؛ بلکه در مجموع، به تنش های شدید در دستگاه های ایدئولوژیک و حتی دستگاه های سرکوب آن نیز دامن می زند و اصطکاک منافع بخش های مختلف طبقه سیاسی حاکم را تشدید می کند. تصادفی نیست که اکنون بخش قابل توجهی از کادرهای رده بالای حکومتی، با خشونت تمام از نهادهای قدرت رانده می شوند و بعضی حتی به زندان های طولانی محکوم می شوند؛ تصادفی نیست که حتی در رده های بالای روحانیت، مخالفت با ولایت فقیه و مخصوصاً اختیارات نامحدود ولی فقیه به سرعت گسترده تر می شود و «دادگاه ویژه روحانیت» اکنون به یکی از فعال ترین نهادهای سرکوب تبدیل شده است. و رانده شدن اصلاح طلبان غیرمعتقد به ولایت فقیه از هر نوع ائتلاف در پیرامون حکومت و محروم شدن آن ها از امکانات فعالیت قانونی، ریزش در پایه های جمهوری اسلامی را شتاب می بخشد؛ اصلاح طلبی را متناقض تر و شکننده تر می سازد و انزوای بلوک حکومتی را افزایش می دهد. خلاصه: تجربه یک سال گذشته نشان داد که به ناگزیر مبارزات آزادی خواهانه ی مردم ایران می بایست عمدتاً از

مجاری فراقانونی، در مقابله ی مستقیم با ولایت فقیه، با بی اعتنائی به وعده ها و توصیه های اصلاح طلبان حکومتی و بی اعتبارسازی آن ها پیش برود و این به آن معنا نبوده و نیست که اکثریت مردم هنوز از مبارزات اعتراضی قانونی سود نجویند.

۲) پیشروی مبارزات مردم در مجاری فراقانونی، همان طور که پیش بینی می شد، با کندی و دشواری انکارناپذیری صورت می گیرد. زیرا با آشکارتر شدن بن بست اصلاح طلبی، دیگر نه تنها نمی تواند از امکانات و ارتباطات سراسری اصلاح طلبان حکومتی بهره برداری کند، بلکه ناگزیر است از طریق رودرویی با هر دو جناح رژیم صورت بگیرد. البته این از نتایج گریزناپذیر بلوغ جنبش ضداستبدادی مردم است که در سال های اخیر آن چنان رشد یافته است که دیگر نمی تواند از بالا آویزان شود، بلکه ناگزیر است روی پاهای خود بایستد. فراموش نباید کرد بحث بر سر کمیت حرکت های اعتراضی نیست، در واقع، تشدید سرکوب گری دستگاه ولایت در یک سال گذشته، نتوانسته از شمار این حرکت ها بکاهد. همه شواهد نشان می دهند که دامنه مبارزات مردم به نحوی چشم گیر در گسترش است و ضرب آهنگ اقدامات اعتراضی تندتر می شود. بویژه در چند ماه اخیر گسترده ترین جنبش مبارزاتی مردمی، جنبش اقتصادی طبقه ی کارگر ایران بوده است؛ این جنبش که در سال های اخیر بی سابقه است، رو به گسترش بوده و در رشد خود با هر دو جناح رژیم اسلامی برخورد کرده است، چه در چهارچوب نهادهای اقتصادی تحت کنترل ولایت فقیه (مانند بنیاد مستضعفان) و چه در تقابل با سیاست های خصوصی سازی و بستن کارخانه ها توسط دولت خاتمی. مسئله اصلی این است که چگونه این حرکت ها می توانند با هم پیوند یابند و یک جنبش توده ای مستقل، با ارتباطات و مجاری مستقل سراسری به وجود بیاورند که هر چه بیشتر در جهت رویارویی مستقیم با رژیم و درهم شکستن آن پیش برود. مسئله این است که تقریباً همه مردم ایران به وضع موجود معترض اند و آن را تحمل ناپذیر می یابند، اما همه، خواست های شان را به یک زبان بیان نمی کنند و همه، انگیزه ها و مطالبات واحدی ندارند. مشخصه کنونی جنبش ضداستبدادی مردم این است که الف - حرکت های اعتراضی بخش های مختلف مردم پراکنده اند و از ارتباط ساختاری با هم دیگر برخوردار نیستند. این پراکندگی فقط به ارتباط میان لایه ها و طبقات اجتماعی مختلف محدود نمی شود، بلکه هر نوع هم آهنگی میان بخش های مختلف یک لایه اجتماعی واحد را نیز دشوار می سازد. ب - اکثریت قاطع حرکت های مردم هنوز خصلت واکنشی دارند و بنابراین، نمی توانند به حد کافی دوام بیاورند و زنجیره واحدی از حرکت های هم سو را معنا بخشند. ج - انگیزه ها و

مطالبات متفاوت در حرکت های گروه های مختلف مردم - که امری کاملاً طبیعی ست - هنوز نمی توانند به مخرج مشترک هایی قابل اتکاء در مقیاس وسیع تبدیل شوند. ه - اکثریت عظیم حرکت های اعتراضی مردم هنوز نمی توانند به بیان سیاسی دست یابند. زیرا هنوز نمی توانند مسائل مشخص خود را با مسائل عمومی مطرح در افق های اجتماعی کلان، مرتبط سازند. ه - از شبکه ارتباطات و اطلاعات سراسری مستقل از رژیم - که لازمه یک جنبش قوام یافته است تا بتواند هم بستگی مردم را در مقابل استبداد مذهبی انسجام و استحکام بخشد - و قابل اتکاء در مقیاس توده ای وسیع، برخوردار نیست. با این همه، فراموش نباید کرد که «نیروی شگرف مفهوم منفی» - یعنی به جان آمدن از شرایط ناشی از موجودیت جمهوری اسلامی - همه مردم را برمی انگیزاند و در سطحی معین، به هم بستگی می کشاند، هم بستگی در مقابل استبداد مذهبی. آگاهی از این هم بستگی، نقداً، مهم ترین دست آورد مبارزات مردم ایران در چند سال اخیر است. این هم بستگی - که اکنون در حافظه تاریخی توده ای مردم ثبت شده و فعلاً عمل می کند - مهم ترین سکویی ست که هر جنبش مستقل و پیش رو مردمی، با تکیه بر آن می تواند قوام یابد.

۳) جنبش آزادی خواهانه کنونی مردم ایران در صورتی می تواند از سطح یک شورش صرف علیه استبداد فقهاتی فراتر برود و به یک جنبش برخوردار از هدف های اثباتی روشن تبدیل شود که اولاً - از زیر نفوذ اصلاح طلبی به طور کلی، و اصلاح طلبان حکومتی به طور اخص، کاملاً خارج شود. ثانیاً - مطالبات عمومی جنبش، به مخرج مشترک مطالبات بخش های مختلف مردم تبدیل شود و به خواست های بی واسطه اکثریت وسیع مردم کشور متکی باشد. ثالثاً - سنگربندی مدنی اکثریت عظیم مردم ایران، هم به لحاظ ایدئولوژیک، و هم به لحاظ ساختاری، در راستای هدف های جنبش عمومی تقویت شود. این تحولات حیاتی، حتی در سطح ضداستبدادی کنونی، بیش از هر چیز، وجود یک جنبش چپ معطوف به سوسیالیسم را می طلبد؛ چپی که رادیکالیسم انقلابی را نه در شورش گری زندانی در محدوده سرمایه داری، بلکه در پیکار مداوم برای گذار به سوسیالیسم ببیند؛ توده زحمت کشان و محرومان و لگدمال شدگان را نه یک نیروی شورش کور، و نه یک مرکب راهوار برای پریدن به قدرت، بلکه نیروی اصلی و فاعل آگاه و آزاد هر تغییر مترقی برای دست یافتن به حق شهروندی برابر تلقی کند؛ خود را از قید و بند طرح های فرقه ای و مقدسی که مردم حق چون و چرا در باره آن ها را نداشته باشند، رها کند؛ و خود را نه آموزگار همه دان مردم، بلکه مدافع پاگرفتن و

پایدار ماندن آگاهی و آزادی و جنبش مستقل اکثریت عظیم بدانند. در این رابطه در شرایط کنونی وظیفه‌ی فعالین چپ انقلابی برای پی‌گیری وظیفه‌ی دائمی خود یعنی کمک به سازماندهی مبارزه‌ی طبقاتی کارگران و تهیدستان در بطن جنبش عمومی ضد استبدادی، هم‌زمان با شرکت در مبارزه‌ی عمومی برای دموکراسی و آزادی‌های سیاسی و مدنی، به معنای تلاش متمرکز در جهت مداخله در مبارزه‌ی جاری گسترده کارگران ایران که عمدتاً به شکل دفاع از اشتغال و دریافت به موقع حقوق صورت می‌گیرد و ترکیبی از اشکال قانونی و فراقانونی در جهت رسیدن به اهداف خود به کار می‌برد، می‌باشد.

۴) برای شکل‌گیری یک جنبش چپ دارای مشخصات یادشده، لازم است که **الف** - همه آن‌هایی که خود را مدافع اهداف آن می‌دانند، فعلاً تلاش کنند مطالبات سیاسی جنبش ضد استبدادی کنونی را به مطالبات بی‌واسطه بخش‌های مختلف کارگران و زحمت‌کشان - یعنی همان اکثریت عظیم مردم ایران - ترجمه و تبدیل کنند و متقابلاً مطالبات بی‌واسطه این اکثریت عظیم را نیز، از طریق طرح و درگیری‌های فعال و همه‌جانبه، به زبان سیاسی جنبش عمومی تبدیل کنند. **ب** - خانه‌تکانی فکری قاطعی را در صفوف همه فعالان چپ و رادیکال سازمان بدهند و به جای الگوی سوسیالیسم دولتی، استبدادی و پدرسالار، به یک الگوی سوسیالیستی واقعاً دموکراتیک و قابل‌توده‌گیر شدن، دست یابند. **ج** - ضرورت عاجل ائتلاف‌ها، اتحادها و هم‌آهنگی‌های پرتحرک در راستای دست‌یابی به جنبش توده‌ای معطوف به سوسیالیسم در بطن همین مبارزات ضد استبدادی را دریابند. **د** - از طریق مصلحت‌طلبی‌های تنگ‌نظرانه، پیکار برای سوسیالیسم را به آینده‌ای نامعلوم موکول نکنند و ضرورت هم‌کاری گسترده برای پیش‌برد و تقویت مبارزه جهت دموکراسی را دریافته باشند.

قطع‌نامه کنگره ششم سازمان در رابطه با اتحاد چپ کارگری

* نظر به این که اتحاد چپ کارگری ایران با پای‌بندی به مبارزه طبقاتی کارگران، راه‌های مداخله موثر در این مبارزه و جنبش مزد و حقوق‌بگیران را در سرفه برنامه‌ی خود قرار داده است؛

* نظر به این که اتحاد چپ کارگری ایران در پاسخ به فائق آمدن بر پراکندگی و تشتت چپ رادیکال قدم‌هایی در حد توان خود برداشته و سنگ‌چین‌هایی از موفقیت نسبی را در این مسیر بر جا گذاشته است؛

* نظر به این که این اتحاد، فرقه‌گرایی ایدئولوژیک را به چالش کشیده و با بازبینی گذشته، جستجوی راه‌کارهای جدیدی را در دستور قرار داده است؛

* نظر به این که اتحاد چپ کارگری در سال گذشته نشان داده است که با روی آوردن نیروهای منفرد و محافل چپ، می‌تواند و ظرفیت آن را دارد که فرای توان کنونی‌اش، دورنمای گسترده‌تری داشته باشد؛

* نظر به این که اتحاد چپ کارگری گام مشخصی است که در رابطه با پروژه «اتحاد بزرگ هواداران سوسیالیسم» برداشته شده است و جز این اتحاد قدم عملی و مشخص دیگری در این رابطه برداشته نشده است که پاسخی به فرقه‌گرایی بوده و خود را تثبیت کرده باشد؛

* نظر به این که اتحاد چپ کارگری با همه ناکامی‌هایش در نقشه‌ها و توقعات اولیه‌اش در ارتباط با جمع کردن احزاب و تشکلهای چپ خارج از کشور، اینک از هدف جمع کردن فرقه‌ها و فرقه‌گرایان فاصله می‌گیرد و با تلاش برای جلب و جذب محافل و افرادی که اهداف آن‌را در مبارزه با فرقه‌گرایی و کمک به جنبش کارگری و سوسیالیستی داخل ایران و اتحاد طبقاتی کارگران درک می‌کنند، در راستای جبران اشتباهات گذشته و گشودن افق گسترش حرکت می‌کند؛

* نظر به این که گزارش عمل‌کرد اتحاد چپ کارگری در سال گذشته حاکی از تبدیل شدن این نهاد به یک اهرم کیفی در میان نهادهای ایرانی، با ظرفیت رشد، در جهت انعکاس مبارزات کارگران و جنبش‌های اجتماعی هم‌سرنوشت با آنان در سطح جهانی و در جهت جلب هم‌بستگی بین‌المللی با این مبارزات است؛

* - نظر به این که سازمان ما در پی آن است که همه اهرم‌ها، وسائل و امکانات را برای اتحاد طبقاتی کارگران، دفاع از جنبش‌های هم‌سرنوشت با آنان و کمک به تکوین یک آلت‌رناتیو سوسیالیستی در ایران بکار بگیرد، اتحاد چپ کارگری را چه از لحاظ تثبیت و ارائه یک راه و نگرش نوین در اتحاد طبقاتی، و چه به لحاظ تبدیل شدن به یک اهرم تبلیغاتی و هم‌بستگی بین‌المللی با امکانات بالفعل و ظرفیت‌های بالقوه در این راستا می‌داند. این تشکل یکی از ابزارها و اهرم‌های واقعاً موجود برای نقد و تأثیرگذاری بر مبارزات طبقاتی و جنبش‌های اجتماعی از طریق خارج از کشور است که می‌تواند از اهرم‌های بین‌المللی استفاده کند که هیچ‌یک از احزاب و سازمان‌های چپ خارج از کشور و از جمله سازمان خود ما (که روابط بین‌المللی بسیار ضعیفی دارد)، به تنهایی توان بکار انداختن چنین اهرمی را نداشته‌اند. لذا سازمان ما اتحاد چپ کارگری را باید یکی از آن اهرم‌ها و امکانات متنوع و متعددی به حساب بیاورد که در راستای کمک به تحقق پروژه اتحاد بزرگ هواداران سوسیالیسم در داخل کشور کارکرد و ظرفیت و آینده دارد؛ تنها اهرم و امکانی که هر اندازه هم اشکال و نارسائی داشته باشد، واقعاً موجود و نقد و عملاً فعال و رو به رشد است.

* نظر به نکات بالا، کنگره ششم سازمان، «اتحاد چپ کارگری» را با توجه به راستائی که در پیش گرفته است، و با نقشی که در قبال جنبش کارگری و جنبش‌های اجتماعی داخل ایران آغاز کرده است، جزئی لازم و مفید از مجموعه ملزومات و ابزارهای کمک به پروژه اتحاد هواداران سوسیالیسم در ایران ارزیابی کرده، سازمان را در راه تحقق این پروژه، موظف به هم‌کاری و هم‌آهنگی با اتحاد چپ کارگری و کمک به آن در جهت پیوند با جنبش کارگری و جنبش‌های اجتماعی در ایران، و تقویت آن در نقشی می‌داند که از خارج از کشور می‌تواند در قبال این جنبش‌ها ایفا کند.

«راه‌کارگر الکترونیکی»

صفحه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر) با شکل و محتوای

جدید!

شامل اطلاعاتی‌ها و اعلامیه‌های سازمان، تک‌برگی راه‌کارگر، نشریه راه‌کارگر، مقالات و تحلیل‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اخبار و روی‌دادهای سیاسی روز و هفته، گزارشات آکسیون‌ها، طنز، شبکه ارتباطی با سایر سایت‌های ایرانی.

از صفحه سازمان انقلابی کارگران ایران (راه‌کارگر) در اینسترن

دیدن کنید

کمک مالی دریافت شده
یک دوست هم‌سنگر آزادی از انگلستان، ۲۰ پوند
IF پاریس ۱۹۷۰ فرانک
علی اصغر قدیری ۵۰ مارک

پیام کنگره ششم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به کارگران اعتصابی کارخانه کفش

شادان پور

دوستان کارگر

ما شرکت کننده‌گان در این کنگره، با علاقه و خرسندی فراوان اخبار تظاهرات شما و دیگر کارگران زحمت کش کارخانه‌ها و کارگاه‌های ایران که در جهت دفاع از شغل و کسب حقوق عقب‌افتاده خود با کارفرماها و سرمایه‌داران به مبارزه برخاسته‌اید را دنبال می‌کنیم. آن چه نقطه قدرت شما کارگران را تشکیل می‌دهد، همبستگی و اتحاد طبقاتی، کمک و هم‌یاری شما به یک‌دیگر در این مبارزه مشترک است. اگر کارفرماها و سرمایه‌داران از حمایت آشکار یا پنهان مقامات دولتی و سردم‌داران رژیم جمهوری اسلامی برخوردارند که نیروهای انتظامی خود را به مصاف شما می‌فرستند، شما با به هم پیوستن هزاران هزار بازوی زحمت کش و پر قدرت خود صفتی را تشکیل می‌دهید که اگر عزم کند هیچ نیروئی را به بسادگی توان ایستادن در برابرش نیست. این‌را کارگران قبلاً در مبارزه با اصلاحیه ارتجاعی قانون کار در مورد کارگاه‌های کوچک نشان داده‌اند و حال نیز با پیگیری مبارزات برحق خویش، هر روز نشان می‌دهند.

در این میان اقدام بی‌سابقه‌ی شما در پیوستن به کارگران چیت‌ری و حمایت عملی از خواسته‌های آنان در تظاهرات برابر مجلس اسلامی، که نشان از آگاهی شما به لزوم اتحاد و همبستگی کارگران کارگاه‌ها و کارخانجات مختلف دارد، و مبارزه‌ی مشترک شما برای دفاع از اشتغال، مبارزه با تعطیل کارخانه‌ها، خصوصی کردن‌ها و بیبکاری گسترده‌ی ناشی از آن، و دریافت حقوق و مزایای پرداخت نشده‌ی خویش، در شرایطی که کارفرمایان، سرمایه‌داران و آقازاده‌ها میلیاردها تومان از ثروت و سرمایه عمومی و دست‌رنج مستقیم کار شما را به یغما برده و می‌برند و کوچکترین توجهی به شکم‌های گرسنه شما و فرزندان‌تان، به اجاره خانه‌های عقب‌افتاده و هزینه‌ی دائماً رو به افزایش مایحتاج عمومی ندارند، نقطه عطفی در این مبارزات بوده و شما را هم چون طلایه‌داران همبستگی کارگران ایران به جهانیان معرفی کرده است.

ما به عنوان مدافعان و هم‌راهان مبارزه‌ی برحق کارگران ایران، از طرف خود و همه هم‌زمانی که به اشکال مختلف در جهت گسترش و تعمیق مبارزه و همبستگی طبقاتی شما کارگران رزمنده‌ی ایران فعالیت می‌کنند، به شما درودهای رقیقانه خود را نثار کرده و دستان توانای‌تان را به گرمی می‌فشاریم.

باشد که در آینده‌ی نزدیک شاهد تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری، این گام ضروری و اساسی در جهت برپایی یک سنگر دائمی در دفاع از منافع برحق کارگران ایران و در راستای نهادینه کردن دموکراسی در ایران باشیم. ما در این راه با تمام قوای فکری و مادی خود در میان شما خواهیم بود.

زنده باد همبستگی کارگران!

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

پیام کنگره ششم سازمان کارگران ایران (راه کارگر) در اعتراض به قتل‌های زنجیره‌ای زنان

قتل‌های زنجیره‌ای زنانی که شلاق همه و هرگونه مظاهر ساختار مردسالاری جامعه ایران و رژیم پاسدار این ساختار را یک‌جا بر پیکر خود دارند، خشم و نفرت ما را بر می‌انگیزد و کینه ما را نسبت به این ساختار و حکومت مذهبی پاسدار و مقوم آن و اراده‌ی ما را برای مبارزه قطعی و همه‌جانبه با آن و فمینیستی کردن مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری و رژیم روحانیون تشدید می‌کند.

اگر اکثریت قاطع زنان ایران با نافرمانی مدنی در مقابل سیاست سرکوب رژیم اسلامی و تحکیم و تشدید مبنای مردسالار جامعه ایران مقاومت می‌کنند، آمیزه‌ای از ستم جنسی، اقتصادی و تباهی اجتماعی ناشی از استقرار یک دستگاه فاسد حکومتی این زنان را زیر لگدهای بیرحمانه مردسالاری سرمایه‌دارانه از پای در آورده و به اسناد زنده فساد این رژیم و فاجعه بار بودن تداوم آن تبدیل کرده است. پاک‌سازی این اسناد از طریق تدارک مستقیم و غیرمستقیم قتل‌عام آن‌ها، روشی است که رژیم‌های فاشیستی قبلاً هم نمونه‌های آن‌را در تاریخ به جا گذاشته‌اند و همین ارثیه‌ی فاشیستی است که در رژیم اسلامی به کار گرفته می‌شود. رژیم مذهبی ایران این ارثیه‌ی فاشیستی را با شیوه‌های قانونی یعنی سنگ‌سار و اعدام متمردين و یا قربانیان نظام مردسالار تکمیل هم کرده است.

ما:

نه تنها این جنایات هولناک را محکوم می‌کنیم و خواهان دادخواهی قربانیان این رژیم هستیم؛

نه تنها مصمم هستیم که از حقوق مدنی زنانی که ستم مردسالارانه مذهبی آن‌ها را به تن فروشی واداشته دفاع کنیم؛

بلکه هم‌چنین هر نوع برخورد انفعالی با این جنایات هولناک که چیزی نیست جز تسلیم شدن به نظام مردسالار و ارزش‌ها و اخلاق و فرهنگ آن را محکوم می‌کنیم و از همه مردم ایران و بویژه زنان آزادی‌خواه و برابری طلب می‌خواهیم که عاملان و آمران این قتل‌ها را به دادگاه مردم بکشانند.

اطلاعیه «رادیو برابری»

از روز ۱۸ تیر ۱۳۸۰ «رادیو برابری» برنامه‌های عادی خود را آغاز کرده است

«رادیو برابری» که از مدتی قبل برنامه‌های آزمایشی خود را آغاز کرده بود از روز ۱۸ تیر ۱۳۸۰، سال‌گرد حماسه باشکوه قیام دانشجویان و جوانان کشورمان علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران، کار عادی خود را شروع کرده است.

«رادیو برابری» تریبونی است برای اطلاع‌رسانی، برای شکستن دیوار سانسور و اختناق و انعکاس صدای همه کسانی که در ایران امروز برای آزادی و برابری تلاش و مبارزه می‌کنند.

برنامه‌های «رادیو برابری» هر روز ساعت نه و نیم شب به وقت تهران برابر با هفت بعدازظهر به وقت اروپای غربی بر روی فرکانس ۷۴۸۰ کیلوهرتز ردیف ۴۱ متر پخش می‌شود. برنامه‌های «رادیو برابری» هم‌زمان از طریق اینترنت در همه نقاط دنیا قابل دریافت است.

آدرس سایت برابری www.barabari.net می‌باشد. در صفحه اینترنتی برابری آرشیو برنامه‌های «رادیو برابری» در اختیار شما قرار دارد.

به برنامه‌های «رادیو برابری» گوش فراداده و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید!

تکبرگی راه کارگر

روزنامه سیاسی هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: ارژنگ بامشاد دوشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۸۰ - ۲۰ آگوست ۲۰۰۱ شماره ۱۲۳

گزارش برگزاری کنگره ششم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

مورد تصویب کنگره قرار نگرفت از جمله بقرار زیرند:
- اضافه کردن جمله " ...اگر چه ظرفیت اصلاح طلبی به پایان نرسیده است." به بند دوم سند
- تاکید بر مبارزه طبقاتی در هر جایی که از جنبش ضداستبدادی نام برده می شود.
پس از پایان مباحث حول سند سیاسی، قطع نامه‌ی پیشنهادی کمیته مرکزی سازمان پیرامون اولویت‌های سازمان در فاصله‌ی کنگره ششم و هفتم به عنوان سند پایه به بحث گذاشته شد. در مورد اولویت‌های سازمان قطع نامه‌ی مقابلی نیز از سوی اقلیت کمیته مرکزی ارائه گردید که در مورد راه حل‌ها اختلافاتی با قطع نامه‌ی ارائه شده از سوی اکثریت کمیته مرکزی داشت که به عنوان سند پایه مورد تصویب قرار نگرفت. در این قسمت مباحث گسترده‌ای پیرامون وضعیت تشکیلات با توجه به نیازهای کنونی جنبش سیاسی انجام گرفت. که در پایان مباحث قطع نامه پیشنهادی به رأی گذاشته شد و با پاره‌ای اصلاحات با اکثریت آراء به تصویب رسید. در این قطع نامه در قسمت اولویت‌ها آمده است: «با توجه به تصمیم کنگره پنجم در مورد سیاست‌گذاری معطوف به جنبش اجتماعی داخل کشور و با تاکید بر این مشی و برای پیش برد مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی و گسترش روند مبارزه فراقانونی و جنبش نافرمانی مدنی و از جمله با شعار «رفراندم» و برای یاری به راه افتادن پروژه «اتحاد هواداران سوسیالیسم در داخل کشور» و کمک به پا گرفتن شکل‌های مستقل صنفی و اجتماعی، که اولویت‌های اصلی مبارزه سیاسی ماست، ضرورت دارد که امکان‌های لازم در این مورد فراهم آید».
بر پایه این الویت، کنگره کمیته مرکزی را موظف کرد که دستورالعمل‌های کنگره برای اجرای این الویت‌ها را به اجرا گذارد. کنگره هم چنین ضمن تأیید روند اصلاحات تشکیلاتی آغاز شده از کنگره چهارم و تاکید بر ادامه آن، دستورالعمل‌های لازم در این راستا را نیز صادر کرد. کنگره هم چنین ضمن بحث پیرامون وضعیت مالی سازمان، و با توجه به مشکلات جدی در این رابطه، کمیته مرکزی منتخب را به توجه

کنگره سالانه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در روزهای پایانی تیرماه ۱۳۸۰ برابر با دهه‌ی دوم ژوئیه ۲۰۰۱ برگزار شد. ششمین کنگره سازمان با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد جان‌باخته‌گان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. کنگره پس از شنیدن گزارش ستاد برگزاری کنگره و انتخاب هیئت رئیسه و تعیین منشی‌ها وارد دستور کار خود شد. در ابتدا آئین نامه‌ی پیشنهادی ستاد برگزاری جهت تعیین مقررات و روال برگزاری کنگره به رأی گذاشته شد که با اکثریت آراء به تصویب رسید. پس از آن دستور جلسه پیشنهادی کمیته مرکزی به رأی گذاشته شد که هم‌راه با پیشنهادات شرکت‌کنندگان در کنگره مبنی بر تکمیل و تغییر آن به تصویب رسید. در کنگره امسال نیز علاوه بر جوانان نسل دوم، جمعی از هم‌راهان و هم‌زمان خارج از سازمان به‌عنوان مهمان حضور داشتند که بر پایه آئین نامه برگزاری کنگره در همه فعالیت‌های کنگره، به غیر از انتخاب کردن و انتخاب شدن، شرکت داشتند. حضور فعالانه و دل‌سوزانه این رفقا به بحث‌ها و جلسات غنا و گرمی بیشتری داده بود.
کنگره در ابتدای کار خود به بحث پیرامون سند سیاسی ارائه شده از سوی کمیته مرکزی سازمان پرداخت. حول مسائل سیاسی کشور بویژه تحولات آن در یک سال اخیر و روند پیش‌رو مباحث گسترده‌ای صورت گرفت. پس از پایان مباحث کلیت سند سیاسی به رأی گذاشته شد که با اکثریت آراء به تصویب رسید. سپس بند بند سند مورد بحث قرار گرفت و اصلاحیه‌ها و پیشنهادهایی جهت تغییر، تدقیق و یا تکمیل سند مطرح گردید. عمده‌ی این اصلاحیه‌ها تاکیدات ویژه‌ای بر جایگاه مبارزات کارگری در سال اخیر و ضرورت گنجانده شدن آن در سند سیاسی بود. برای کار عمقی‌تر روی سند ارائه شده پس از مباحثات، کنگره کمیسیونی را انتخاب نمود تا با بررسی و دسته‌بندی نظرات ارائه شده، روند رای گیری بر روی اصلاحیه‌ها را هم‌وار سازد. پیشنهادات کمیسیون سیاسی در روز دوم به کنگره ارائه گردید و تک تک پیشنهادات به رأی گذاشته شد و پیشنهادات حائز اکثریت آراء در سند سیاسی وارد گردید. پیشنهاداتی که

تحریکات در خزر و نقش رژیم اسلامی سارا محمود

تحریکاتی که با شروع عملیات اکتشافی دو کشتی متعلق به شرکت بریتیش پترولیوم در منطقه مورد مناقشه بین ایران و آذربایجان در دریاچه خزر آغاز شد، بلافاصله به واکنش مطلوب و مورد نظر تحریک‌کنندگان توسط عوامل رژیم اسلامی ایران انجامید و محسن رضائی در یک سخن رانی سفیانه کُرکری‌هایی را سر داد که مشابه آن قبلاً به بهترین نحو برای برپا کردن جنگ خانمان سوز ۸ ساله مورد استفاده قرار گرفت.
کشتی‌های بریتیش پترولیوم پس از دخالت نیروی دریایی رژیم اسلامی بلافاصله عملیات را قطع کردند. زیرا فعلاً برنامه تحریک بیشتر و گوش مالی جدی‌تر رژیم مطرح نبود. اما رجزخوانی‌های سفیانه و تحریک‌آمیز محسن رضائی وسیعاً در مطبوعات غربی منعکس شد. به عبارت دیگر در همین عملیات محدود هم سیاست خارجی تحریک‌آمیز و ضدملی رژیم اسلامی به خدمت گرفته شد تا خصلت تجاوزگرانه طرح‌های نظم نوینی برای ایجاد تخاصم بین ملل منطقه و کسب سرکردگی آمریکا به کمک این تخاصم در سایه سیاست تحریک‌آمیز جمهوری اسلامی کم رنگ و موجه جلوه کند.
استراتژی جدید آمریکا مبنی بر کنترل انحصاری، بلامنازع و بدون رقیب منابع انرژی خزر-خلیج و راه‌های انتقال آن به غرب بر کسی پوشیده نیست. اما روشن بودن این حقیقت -از جمله برای رقبای اروپایی، ژاپن، چین و روسیه- نه بدان معناست که رقبای آمریکا بطور قطع و در همه مقاطع به مقابله با طرح‌های آمریکا در منطقه بر خواهند خاست و نه بدان معناست که طرح‌ها و تاکتیک‌های مقطعی آمریکا خود به خود و قطعاً موفق خواهد شد. البته آمریکا می‌کوشد از طریق تاکتیک‌هایی که با شرایط موجود و واقعی در منطقه در انطباق است، رقبای خود را در وضعیتی قرار دهد که بر اساس محاسبات عمومی مجبور شوند علیرغم اختلاف نظر از تاکتیک‌های آمریکا پیروی کنند. نمونه‌های جنگ عراق و یوگسلاوی گویاتر از آن هستند که احتیاج به تفصیل داشته باشند. در هر دو مورد دولت‌های غربی از سیاست

بقیه در صفحه ۲

پیرامون رجعت به طالبانیسم!

در صفحه ۲

تقی روزبه

دنباله از صفحه ۱ تحریکات در خزر....

تجاوزکارانه‌ی آمریکا حمایت کردند، در حالی که در هر دو مورد، جنگ، آمریکا را در موقعیت برتر و بلامنافع‌تر نسبت به سایر قدرت‌های جهانی قرار می‌داد و این موقعیت را تثبیت می‌کرد.

در رابطه با منابع انرژی خزر آمریکا می‌کوشد از همه عوامل مساعد به نفع استراتژی خود بهره‌برداری کند و بیش از همه از وجود جمهوری اسلامی و سیاست‌های غیرقابل قبول و ارتجاعی آن سود جوید.

بر اساس قراردادهایی که بین ایران و شوروی سابق بسته شده بود، خزر از آن‌جا که دریاچه است باید تحت اداره مشترک کشورهای ساحلی آن باشد و عملیات اکتشافی نیز باید با توافق این کشورها صورت گیرد. ایران و روسیه - و فعلاً ترکمنستان - خواهان حفظ و رعایت قرارداد هستند، در حالی که آذربایجان و قزاقستان آن قرارداد را لغو شده می‌دانند و خواهان آنند که با خزر چون دریا برخورد شود که بر اساس آن خزر بین پنج کشور ساحلی تقسیم می‌شود و هر کشور حق حاکمیت خود را در مناطق وابسته به ساحل خود اعمال می‌کند.

این اختلاف بهانه‌ی مناسبی برای دخالت غیرمستقیم و مستقیم آمریکا فراهم می‌کند که کنترل انحصاری بر منابع خزر-خلیج را در رأس سیاست ژئوپلیتیک خود در دوره‌ی بعد از فروپاشی شوروی قرار داده است. بهترین راه حل اختلاف، یعنی مذاکره بین کشورهای ساحلی بر اساس قواعد بین‌المللی تنها با احترام به حق حاکمیت و حق تعیین سرنوشت ملل منطقه، گسترش روابط دوستی و مراودات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی بین این ملل، پای‌بندی به قوانین حاکم بر روابط بین‌المللی و اصول دموکراسی به نتایج مثبت برای ملل منطقه منجر شده و می‌تواند رقابت بین قدرت‌های بین‌المللی را نیز در جهت تثبیت حق حاکمیت ملل منطقه به خدمت بگیرد. اما حداقل دو دولت این راه حل را با منافع خود در تضاد می‌بینند: آمریکا و جمهوری اسلامی ایران. دولت آمریکا خواهان کنترل انحصاری منطقه است و این خواست هم با حق تعیین سرنوشت ملل منطقه و گسترش دموکراسی در خاورمیانه در تضاد است هم با موازنه‌ی منفی بین قدرت‌های بزرگ در منطقه. دولت جمهوری اسلامی این راه حل را با اساس موجودیت خود در تضاد می‌بیند، زیرا این موجودیت ضددموکراتیک و ضدحاکمیت ملی تنها امکان دوام حکومت لرزان خود را در ایجاد مناقشات خارجی چه در سطح منطقه و چه در سطح جهانی جستجو می‌کند و به همین دلیل هم سیاست به غایت خطرزای مخاصمه با آمریکا را ادامه می‌دهد. دو طرف از طریق این تخاصم به یک‌دیگر کمک می‌کنند و بازنده اصلی این تخاصم ملت‌های منطقه و بویژه مردم ایران هستند. چنان که در جریان جنگ اول خلیج فارس دیدیم، این جنگ اگر محیط زست میلیون‌ها و میلیون‌ها مردم خاورمیانه را به انبار اسلحه و منطقه خطر تبدیل کرد، در عوض برای دولت آمریکا و رژیم اسلامی به گفته خمینی "نعمت" بود و به دوام یکی و حضور نظامی و گسترش نفوذ دیگری خدمت کرد.

اکنون در رابطه با خزر آمریکا عوامل مساعد فراوانی جهت سلطه خود فراهم آورده است، بنابراین

دنباله از صفحه ۱ گزارش کنگره ششم....

ویژه به مشکل مالی سازمان و چاره‌یابی برای آن موظف نمود.

پس از آن قطع‌نامه مربوط به «اتحاد چپ کارگری» مورد بحث قرار گرفت، که با پاره‌ای اصلاحات به تصویب رسید. در این رابطه بحث‌های مفصلی صورت گرفت و نظراتی نیز وجود داشت که این ارزیابی از کار اتحاد چپ را منطبق بر واقعیت نمی‌دانست و خواهان این بود که این ارزیابی که «آن‌چه مسلم است اتحاد چپ کارگری، نتوانسته به ایجاد یک اتحاد غیرایدئولوژیک - غیرفرقه‌ای سوسیالیست‌های رادیکال جامعه عمل پیشانند» در قطع‌نامه گنجانده شود که مورد توافق کنگره قرار نگرفت.

محور دیگر بحث‌های کنگره برخورد با ستم جنسی بود. از سوی بخشی از زنان شرکت‌کننده

هرگاه ایجاد بحران در خزر را به نفع استراتژی خود بدانند، کافی است چراغ سبز بدهد، تردیدی نیست در این رابطه بیش از جمهوری‌های آسیایی، بیش از متحدان استراتژیک آمریکا در منطقه یعنی ترکیه و اسرائیل و دولت‌های عربی خلیج فارس، این دولت جمهوری اسلامی است که به کمک آمریکا می‌شتابد و با یاهو‌بافی‌های مشابه آن‌چه این بار از محسن رضائی شنیدیم و با دشمن‌تراشی در منطقه و با سیاست‌های تحریک‌آمیز شریایی ایجاد می‌کند که همه، حتی رقیبان آمریکا در منطقه پشت آمریکا صف بکشند.

بنابراین مردم ایران برای پیش‌برد یک سیاست خارجی پیش‌رو که از منافع ملی ایران حمایت کند اولین مانعی را که باید از پیش پا بردارند رژیم جمهوری اسلامی ایران است. و این دلیل مضاعفی است برای پیش‌برد یک سیاست رادیکال برای رهائی از شر رژیم اسلامی. دلیل مضاعف، زیرا نخستین و مهم‌ترین دلیل ما برای سنگربندی جهت نبرد نهائی با رژیم همان اعاده حق مردم ایران برای حاکمیت بر خویش و جلوگیری از ویرانی و اضمحلالی است که رژیم اسلامی کشور را به آن محکوم کرده است. اضمحلالی که همه وجوه زندگی اجتماعی-اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی - در ایران را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر جمهوری اسلامی هم از درون و هم از بیرون ایران را به ویرانی و از هم پاشیدگی می‌کشانند. ما مردم ایران برای نجات ایران از این رژیم ویران‌گر راهی به جز سازمان‌یابی نداریم و سازمان‌یابی ما خود بهترین وسیله برای مقابله با همه انواع مطامع ارتجاعی و تهدیدهای خارجی هم هست. پس اگر دلیل مضاعفی برای مبارزه رادیکال در جهت سرنوشتی رژیم اسلامی داریم، دلیل مضاعفی نیز در رابطه با ضرورت سازمان‌یابی توده‌ای داریم. ملت سازمان‌یافته حول مطالبات دموکراتیک و برابری طلب، قادر به دفع هر نوع دشمن داخلی و خارجی است. تشکلهای مستقل حول مطالبات بر حق مردم در هر سطح-صنفی، سیاسی، اجتماعی - جوی‌بارهایی هستند که سرانجام به هم می‌پیوندند و دریای مقاومت سازمان‌یافته مردم در برابر هر نوع ارتجاع و پایه‌ی بازسازی دموکراتیک کشور را تشکیل می‌دهند.

در کنگره قطع‌نامه‌ای در این رابطه به کنگره ارائه گردید که بر مبارزه علیه ستم جنسی در جامعه و هم‌چنین در میان گروه‌ها و سازمان‌های هوادار سوسیالیسم از جمله سازمان ما تاکید می‌کرد. این سند با پیشنهادهای اصلاحی شرکت‌کنندگان در کنگره به تصویب رسید و اصلاحات مصوبه در متن اولیه وارد گردید. در این قطع‌نامه بر قطع‌نامه کنگره چهارم سازمان علیه آپارتاید جنسی تاکید شده است. در قطع‌نامه کنگره چهارم سازمان آمده بود: «از آن‌جا که جوانان موتور حرکت‌های گونوی جامعه را شکل می‌دهند؛ از آن‌جا که بی‌آیندگی ناشی از فلاکت اقتصادی و ارتجاع فرهنگی حاکم دو وجه برجسته تقابل جوانان و حاکمیت است؛ از آن‌جا که نیمی از جوانان را زنان تشکیل می‌دهند که فشار ناشی از زندگی در سیستم آپارتاید جنسی آنان را چون آتش‌فشانی آماده طغیان کرده است:

تعرض مستقیم به سیستم آپارتاید جنسی و طرح شعارهای رفع تبعیض جنسی، تضمین‌کننده‌ی گسترش، تعمیق و رادیکالیزه کردن جنبش توده‌ای است. طرح شعارهای مستقیم علیه جداسازی جنسی، ارکان حاکمیت را هدف قرار داده و نیمی از جامعه را برای رسیدن به مطالبات خود در تغییرات احتمالی آینده برانگیخته و مورد حمایت قرار می‌دهد. محورهای شعار: ۱- علیه جداسازی جنسی؛ ۲- علیه حجاب اجباری، اختیاری بودن پوشش؛ ۳- لغو قوانین ضدزن؛»

از پیشنهادهای رسیده در رابطه با مسئله زنان، پیشنهاد انتشار یک نشریه ویژه همانند «تک‌برگی راه کارگر» در رابطه با ستم جنسی بود که رد شد. پیشنهاد دیگری مبنی بر افزودن کلمه "زن" به اصلاحیه مصوب دیگر مبنی بر "سازمان ما از حق آزادی رابطه جنسی دفاع می‌کند." بود که این پیشنهاد با اکثریت آرا رد شد. پیشنهاد حذف کلمه "اکثریت" در بند ۴ قطع‌نامه نیز مورد تأیید قرار نگرفت.

محور بعدی بحث، برخورد به ستم ملی در ایران بود که در قطع‌نامه‌ای از سوی کمیته مرکزی سازمان به کنگره ارائه شده بود. در توضیح قطع‌نامه ارائه شده به کنگره پیرامون مسئله ملی با توجه به سابقه کار سازمان در این عرصه آمده بود: «سازمان ما از همان ابتدا به مسئله ملی در کشور چند ملیتی ما توجه ویژه‌ای داشته است. موضع‌گیری‌های اصولی راه کارگر در رابطه با حوادث ترکمن صحرا، خوزستان، کردستان، آذربایجان (حرکت حزب خلق مسلمان طرفدار شریعت مداری) و مسایل بلوچستان و سایر رخ داده‌ها و مناسبت‌های ملی بیان‌گر پای‌بندی عمیق به اصل حق تعیین سرنوشت ملل و اقوام و حقوق شهروندی است.

بقیه در صفحه ۳

پیرامون رجعت به طالبانیسم!

تقی روزبه

وقتی یک سال پیش خامنه‌ای سال جدید را سال امنیت و مبارزه با فساد و بیکاری نامید، شاید کمتر کسی سخنان وی را جدی گرفته و آن را بخشی از یک استراتژی مشخص و مرحله‌بندی شده بشمار می‌آورد.

وقتی چندین ماه پیش، رئیس قوه قضائیه، گره کور معضل کمبود زندان برای دادن متهمین بی‌شمار را با سرانگشت تدبیرخود حل کرد و طی فرمانی به‌جای زندانی کردن، خواهان گسترش مجازات‌های علنی اسلامی شد و از قاضیان خواست که به‌جای زندان و سایر تنبیهات از حدود و قصاص و تعزیر اسلامی بشکل علنی سود جویند و سپس گفت که قضا با قاطعیت حکم دهند و دیوان عالی کشور، به‌سرعت چنین مجازاتی را مورد تأیید قرار دهد و در همان‌جا خبر از صدور حکم صدها اعدام درارتباط با مواد مخدر داد. بازهم هنوز بسیاری باور نداشتند که در پشت گردوخاک انتخاباتی و لعاب هر دم نازک شونده جمهوری، عملاً این حکومت اسلامی، آن‌هم از نوع طالبانی‌اش هست که به‌شیوه خزنده‌ای درحال مستقر شدن است. به‌این ترتیب بجای ادعاها و وعده‌های پرطمطراق اصلاح‌طلبان و دنباله‌چاه‌های آنان مبنی بر تضعیف تدریجی وجه ولایت مطلقه به‌سود جمهوری و حق حاکمیت مردم، شاهد رخ نشان دادن این واقعیت عبوس هستیم که این جمهوری و خاتمی است که رنگ باخته و در جهت استحاله و تحلیل رفتن در وجه ولایت و اسلام پیش می‌رود.

سرانجام وقتی، چند روز پیش رئیس قوه قضائیه در سخنانی خطاب به مسئولان استان سمنان و شهرستان شاهرود، اعلام داشت که در هم‌آهنگی با فرماندهی لایق نیروهای انتظامی که از فرماندهی کل قوا حکم گرفته‌اند، حدود و مجازات‌های اسلامی و شلاق اسلامی را به مرحله اجرا گذاشته و از شروع این برنامه در سطح ده استان کشور خبر داد و تهدید کرد که به حرف هیچ یاهه‌گوئی هم که بخواهد در روزنامه‌ها از این مسأله علیه نظام استفاده کند، گوش نخواهد داد، معلوم شد که در بحبوحه قیل‌و‌قال بالائی‌ها حول تحقیق و تفحص و حقوق‌دانان شورای نگهبان و مراسم تحلیف و ترکیب کابینه، سناریوی پاک‌سازی فرهنگی، از مرحله طراحی گذشته و با حمایت مسقیم رهبری وارد فاز اجرایی شده است.

در این فاز است که نیروی انتظامی طی یک اطلاعیه بی‌سابقه، و تهدیدآمیز تحت عنوان "طرح مقابله با مصادیق آشکار فساد" اعلام داشت مبارزه بی‌امانی را با «اشاعه هرگونه فرهنگ مبتذل غرب نظیر تولید و توزیع و فروش هرگونه البسه، تابلوهای منقوش به هنرپیشگان و تصاویر و عکس‌های زنان و مردان

بقیه در صفحه ۴

فقط ناقص اتحاد داوطلبانه ملیت‌های ایران نیستند بلکه زمینه دستیابی به صلح، دموکراسی و هم‌بستگی بین‌المللی کارگران و زحمت‌گشان کشورهای مختلف را تقویت می‌کند». در ادامه این توضیحات آمده بود از کنگره ششم خواسته می‌شود که در پیگیری سیاست ملی خود قطع‌نامه‌ی جدید را به تصویب برساند.

بر پایه‌ی روشن بودن این مواضع و با توجه به برخوردهایی که حاکمان جمهوری اسلامی با به‌کارگیری اصطلاحاتی هم‌چون "ایرانیان خالص" و یا "نژاد آریائی" به دامن زدن نفرت ملی پرداخته‌اند، قطع‌نامه‌ی جدید که در شماره ۲۲ تک‌برگی راه کارگر منتشر شد، عمدتاً به مباحث جاری در کشور و در میان نیروهای گوناگون توجه داشت، مطرح گردید. از این رو بحث حول قطعنامه پیشنهادی در این رابطه یکی از مباحث حساس کنگره بود که با وسواس زیاد روی تک تک واژه‌های بکار برده شده در قطعنامه صورت گرفت. تعیین جایگاه زبان فارسی و دیگر زبان‌های ملی ملل و اقوام ساکن ایران، یکی از عمده‌ترین محورهای مباحث بود. با توجه به گستردگی بحث‌ها در این رابطه کنگره کمیسیونی را جهت تدقیق و جمع‌بند اصلاحات طرح شده و کار روی آن‌ها انتخاب نمود. این کمیسیون گزارش خود را به کنگره ارائه کرد که پس از رأی‌گیری اصلاحیه‌های مصوب کنگره در متن اولیه قطع‌نامه وارد گردید.

بحث دیگر کنگره در رابطه با قطع‌نامه پیرامون مسائل جوانان در ایران بود. کنگره علیرغم تأکید بر جوان بودن جامعه ایران و ضرورت پرداختن ویژه به مسائل جوانان در ایران، اطلاعات و مباحث و تدارک مربوطه را ناکافی دانست و به «کمیته مرکزی توصیه کرد سندی در باره‌ی مسئله جوانان انتشار دهد» و در نتیجه قطعنامه مذکور با اکثریت آرای شرکت‌کنندگان از دستور کار کنگره خارج گردید. در انتهای مباحث کنگره پیامی از سوی کنگره خطاب به کارگران اعتصابی کارخانه کفش شادان پور به اتفاق آرا به تصویب رسید. هم‌چنین کنگره سازمان در اعتراض به قتل‌های زنجیره‌ای زنان با اتفاق آرا پیامی صادر کرد.

در پایان انتخابات کمیته مرکزی و کمیسیون نظارت و بازرسی انجام گرفت که سهمیه بندی حداقل ۳۰٪ تعداد زنان در جمع برگزیدگان در همان دور اول انتخابات بدون نیاز به استفاده از این ماده اساسنامه‌ای حاصل گردید. کنگره در پایان کار خود پس از تماشای نمایش کوتاهی که توسط چند تن از کودکان تدارک دیده شده بود با خواندن سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

دنباله از صفحه ۲ گزارش کنگره ششم...
راه کارگر پیوسته و خستگی‌ناپذیر از حقوق اقلیت‌های مذهبی از یهودی گرفته تا بهائی دفاع کرده و سیاست‌های ارتجاعی و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را افشاء و محکوم کرده است. کمیته مرکزی سازمان در فروردین ماه ۱۳۷۱ قطع‌نامه‌ی «سیاست ما در مسئله ملی» را صادر کرد. سازمان در این قطع‌نامه سیاست‌های خود در رابطه با مسئله ملی را تدقیق و جمع‌بندی کرد و ارائه داد که هم‌چنان به قوت خود باقی است. در این قطع‌نامه آمده است: «نظر به این‌که:

ستم ملی درکشور چند ملیتی ما یکی از اساسی‌ترین موانع دستیابی به دموکراسی است و ادامه آن جز با گسترش نفرت ملی در میان خلق‌های ایران و تضعیف زمینه‌های اتحاد داوطلبانه و دموکراتیک آن‌ها ممکن نخواهد بود؛

در شرایط کنونی که در نتیجه تحولات بین‌المللی و مخصوصاً تحولات اتحاد شوروی سابق، موج جدیدی از ناسیونالیسم که منطقه‌ی ما را فرا گرفته، در ایران نیز به نحوی بازتاب داشته و خواهد داشت، هر نوع گسترش نفرت ملی، خطر بزرگی برای جنبش کارگری کشورهای منطقه و از جمله کشور ما بوجود می‌آورد. کمیته مرکزی مقرر می‌دارد که در تبلیغات و فعالیت سازمانی ما نکات زیر به دقت رعایت شوند؛

الف- از حق تعیین سرنوشت، و از جمله حق جدائی همه ملل به عنوان یکی از ارکان اساسی دموکراسی، مخصوصاً در کشور چندملیتی ما، به‌طور فعال و مستدل دفاع شود و هم‌چنین از مبارزات ملیت‌های تحت ستم برای دستیابی به این حق فعالانه حمایت شود؛

ب- با اندیشه‌ها و گرایشاتی که به نفرت ملی دامن می‌زنند و با مقابل هم قراردادان کارگران و زحمت‌گشان ملل مختلف، راه‌های تحکیم هم‌بستگی بین‌المللی- یعنی یکی از اساسی‌ترین شرایط رهایی آنان از بهره‌کشی سرمایه‌داری- را مسدود می‌کنند، مقابله نظری فعالی صورت گیرد. لازمی چنین مقابله‌ای دفاع فعال از اتحاد داوطلبانه و دموکراتیک ملیت‌های ایران است که تنها با احترام به حق تعیین سرنوشت و از جمله حق جدائی آن‌ها می‌تواند تأمین شود؛

ج- از برابری حقوق و فرصت‌های همه ملیت‌های ایران که شرط حیاتی اتحاد داوطلبانه و دموکراتیک آن‌هاست، به ترتیبی که در برنامه سازمان تصریح شده است، فعالانه دفاع شود؛

د- از حق همه ملیت‌های ایران برای ایجاد رابطه با خویشاوندان ملی و زبانی‌شان در کشورهای هم‌جوار (از تسهیل رفت‌وآمدهای آزادانه‌تر گرفته تا قراردادهای فرهنگی، اقتصادی، گم‌سرسی و غیره) حمایت شود. چنین روابطی نه

دنباله از صفحه ۳ رجعت به طالبانیم

در حال نواختن موسیقی))، و با بی‌حجابی، خاصه دختران با حالات غیر متعارف و مروج فرهنگ ابتدال و نیز تولید و تکثیر موسیقی غیر مجاز و خرید و فروش و حمل سگ و میمون و حتی تنبیه واحدهای صنفی در صورت پذیرائی از زنان بدحجاب و آرایش کرده در رستوران‌ها، و ممنوعیت استفاده از مانکن زنانه و بالاخره به نمایش گذاشتن کروات و پاپیون (بعنوان افسار تمدن غربی) و لباس آستین کوتاه و... در ستور کار خود قرار داده‌اند. و آن‌گاه برای نشان دادن درجه جدی بودن تصمیم‌شان، در میدان‌های متعددی شلاق زنی جوانان در معابر عمومی و آویزان کردن اجساد از چرتقیل‌ها، را به نمایش گذاشتند. پس از آن بود که مردم ایران و سراسر جهان، ناباورانه متوجه شدند که مبارزه علیه "فساد"، اسم شی‌بی بوده است برای یک عملیات گسترده شبه فاشیستی با هدف پاک‌سازی فرهنگی، که بسیار فراتر از مبارزه صرف علیه به اصطلاح اشرار و قاچاق‌چیان قرار داشته و آماج اصلی آن کسی جز مردم و بویژه جوانان نیست. به این ترتیب جناح حاکم در تحقق استراتژی حکومت اسلامی، از فاز توقیف روزنامه‌ها و تصفیه و زندانی کردن بخش‌های رادیکال اصلاح‌طلبان، دانشجویان و ملی-مذهبی‌ها، اکنون در یک سیاست پاک‌سازی شبه پوپولیستی به سراغ خود مردم آمده است. و البته برای ایجاد شکاف بین نسل‌ها و منفعل کردن مخالفین خود، مرحله نوین را تحت عنوان دو شعار "مبارزه با فساد" و "تأمین امنیت" (که ققدان آن خود ناشی از بیست سال حیات مافیائی رژیم است)، به پیش می‌برد.

در این میان اصلاح‌طلبان دولتی که مدعی بودند گفتمان اصلاح‌طلبی را حتی در میان حریف و کل نظام تثبیت کرده‌اند، در تلاشی مذبحانه و بی‌حاصل با خاطر نشان ساختن مصلحت نظام و حفظ آبروی نظام در برابر انظار جهانی، خواهان اجرای غیرعلنی احکام اسلامی شدند. آنان برای دفاع از این نظر خویش از مخالفت خمینی با رجم و سنگسار در ملاء عام که موجب "وهن اسلام" می‌گردید سخن می‌گویند. غافل از آن که اگر مصلحت دیروز نظام اسلامی در مخفی کردن آن بود، امروزه سردم‌داران نظام رونه‌افول، درست بهمان دلیل، مصلحت نظام را و دقیقاً مصلحت نظام را در علنی کردن آن بربریت مکتوم و ایجاد جو رعب می‌دانند. سرکردگان اصلی اصلاح‌طلبان حکومتی با اصل قصاص مخالفتی ندارند، و تنها در مورد چگونگی اجرای آن مساله دارند، همان‌طور که خاتمی در نطق تحلیف خویش براصول مافوق ارتجاعی قصاص صحنه نهاد و نشان داد که از برنامه پاک‌سازی فرهنگی حریف چندان هم بی‌خبر نیست.

برنامه پاک‌سازی فرهنگی-فیزیکی جدید، که هدف اصلی خود را جوانان و مرعوب ساختن مردم

قرار داده است، اما در کُنه خود شکست بزرگی را به نمایش می‌گذارد: شکست کامل جمهوری اسلامی در تحمیل و تثبیت نظام مذهبی بر نسل جوان و اعتراف آشکار بر تمرد این نسل علیه حاکمیت هنجارهای مذهبی. تمردی که قرار است این بار به مدد شلاق اسلامی خاموش شده و روح انقیاد و پذیرش جایگزین آن گردد. از سوی دیگر مطرح شدن برنامه شبه‌پولوتی فوق در موقعیت فعلی به هیچ‌وجه تصادفی نیست، بلکه متناظر با دروه دوم ریاست جمهوری خاتمی است-که وی در مقایسه با دوره گذشته بصورت کمیک بروی صحنه ظاهر شده است- و مبین مرحله تازه‌ای از تعرض تاریک‌اندیشان است که در آن جناح حاکم در پی رام و مستأصل کردن خاتمی و اصلاح‌طلبان، با تغییر جبهه نبرد و رسیدن به نقطه صفر است و از این رو بطور مستقیم به سراغ مردم آمده است. مرحله‌ای که سرمقاله نویس رسالت با فراست آن‌را روی کرد به راهبرد حمایت انتقادی این جناح از دولت و کابینه خاتمی نامیده است. راهبردی که بهمان اندازه که واقعیت پیدا کند، بهمان میزان راهبرد حمایت انتقادی اصلاح‌طلبان از خاتمی را تهی و بی‌معنا می‌سازد. از این رو باید نتیجه گرفت که طالبانیزه کردن، این بار نمی‌تواند یک سیاست موسمی و فصلی با هدف‌های مقطعی باشد. بلکه نشأت گرفته از نیاز نظام حاکم در رانده شدن به سوی حکومت و خلافت اسلامی و البته سرنوشت مقدری است که هر حکومت ایدئولوژیک-مذهبی وقتی بر بقاء خویش بهرقیمت پای می‌فشارد دچارش می‌شود. در عین حال نباید از این نکته نیز غافل بود که این تغییر جبهه نبرد، به معنای نجات دادن مافیای اقتصادی و صاحبان بنیادها و مؤسسات ممتاز آفازاده‌هایی است که در خطر زیر ضرب قرارگرفتند هستند.

اکنون که نبرد جناح تارک اندیش‌تر رژیم به صورت مستقیم و بی‌واسطه علیه خود مردم شروع شده است، و جناح حاکم برای بقاء خویش پا به قلمروئی نهاده است که شکستش محتوم است، بی‌تردید سازماندهی اعتراضات مستقیم -آن‌طور که نمونه اخیر خاوران به طور درخشانی امکان‌پذیری آن‌را نشان داد- برای به شکست کشاندن تهاجم رژیم و سرانجام سرنگون ساختنش اهمیت بی‌همتایی یافته است. اکنون که رژیم مذهبی جنگ گسترده‌ای با عرفی‌گرایی را برای پس گرفتن قلمروئی که مردم طی سالیان گذشته به رژیم تحمیل کرده‌اند، آغاز کرده است، حال که برای پوشیدن لباس آستین کوتاه و شیندن موسیقی و نشستن در رستوران هم باید سیاسی شد و به نبرد مستقیم با دولت ایدئولوژیک-مذهبی پرداخت، ورود رژیم به این "باتلاق" توده‌ای را باید خیر مقدم گفت و تاکتیک‌ها و سیاست‌های متناسب با این دوره را پی‌ریخت و برای شفاف کردن صحنه نبرد، به غبارزدائی از دو شعار "فساد" و "امنیت" پرداخت.

سرکوب خشن تحصن

پناهجویان در «وان» ترکیه را محکوم می‌کنیم!

روز ۱۴ آگوست ۲۰۰۱ صدها پناه‌جوی ایرانی، کرد عراقی و افغانی ساکن شهر وان در ترکیه، که طی روزهای قبل موافقت مقامات امنیتی را برای برگزاری یک تحصن آرام در برابر دفتر پناهندگی سازمان ملل جلب کرده بودند، با ناباوری مورد یورش پلیس ترکیه قرار گرفتند. پلیس پس از ضرب و شتم شدید پناه‌جویان، مانع از ادامه حرکت اعتراضی و عادلانه آن‌ها که ماه‌ها و برخاً سال‌هاست در بلانکلیفی بسر می‌برند، شد. این عمل وحشیانه در حالی صورت گرفت که در روز تحصن، مقامات سازمان ملل با رها کردن انبوه زنان و کودکان پناه‌جو در مقابل سرکوب پلیس، حتی به سرکار خود حاضر نشده و اقدام به بستن دفتر در آن روز نمودند. در ادامه ضرب و شتم و دستگیری متحصنین که چندین ساعت بطول انجامید، پلیس کلیه راه‌های منتهی به محل را بسته و مانع از تماس خبرنگاران با پناه‌جویان شد. فرماندار شهر «وان» نیز طی اطلاعیه شدیداللحنی به عموم پناهندگان هشدار داد که «اقداماتی از این دست در شهر «وان» تحمل نشده و با خاطیان به شدت عمل خواهد شد»

دفتر پناهندگی سازمان ملل در شرایطی به انبوه پناه‌جویان و مهم‌تر از همه زنان و کودکان پاسخ منفی داده و نسبت به سرنوشت آن‌ها بی‌توجه است، که فقر، بیماری، بی‌سربنایی، بی‌کاری و آینده تیره‌وتار، این پناه‌جویان را تهدید می‌کند. به همین خاطر ما ضمن حمایت کامل از حقوق انسانی کلیه پناه‌جویان ایرانی و غیر ایرانی ساکن ترکیه و افسای سیاست‌های سرکوب‌گرانه رژیم ترکیه و اقدامات و سیاست‌های ضدپناهندگی دفاتر سازمان ملل در این کشور، از همه انسان‌های آزادی‌خواه خصوصاً نهادهای ترقی‌خواه بین‌المللی می‌خواهیم که با تمام نیرو به کمک این انسان‌های محروم بشتابند. سازمان ما قویاً خواستار توقف آزاد و سرکوب پناه‌جویان، رسیدگی فوری به وضعیت اسفبار آن‌ها، پذیرش بی‌قید و شرط درخواست پناهندگی‌شان و انتقال آن‌ها به یک کشور ثالث و امن می‌باشد.

بدون تحقق سریع و کامل این مطالبات انسانی، سرنوشت هولناکی پناه‌جویان مذکور را تهدید می‌کند که اخراج به جهنم جمهوری اسلامی ایران، افغانستان و غیره تنها یک وجه آن را بازتاب می‌دهد.

کمیسیون تشکیلات خارج از کشور

سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)

۱۵ آگوست ۲۰۰۱

((راديو برابري))

برنامه‌های «راديو برابري» هر روز ساعت نه ونیم شب به وقت تهران برابر با هفت بعدازظهر به وقت اروپای غربی بر روی فرکانس ۷۴۸۰ کیلوهرتز ردیف ۱۴ متر پخش می‌شود. برنامه‌های «راديو برابري» هم‌زمان از طریق اینترنت در همه نقاط دنیا قابل دریافت است. آدرس سایت برابري www.barabari.net می‌باشد.